بسم الله الرحمن الرحیم

سفر یقین

آیا می‌توان وجود الله را با دلایل علمی ثابت کرد؟!

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

12

سلسله مقالات «سفر یقین»

آیا می‌توان وجود الله را با دلائل علمی اثبات کرد؟ پاسخ کوتاه و ساده‌ی این پرسش این است که: علم از هر چیز دیگری به وجود الله بیش‌تر دلالت دارد. شاید بپرسید که: کجاست؟ الله را برایم نشان دهید و یا آوازش را برایم بشنوانید در پاسخ میگوییم: شما نپرسیدید که: آیا میتوانیم همانگونه که محسوسات را می‌بینیم و میشنویم، الله را ببینیم و (آوازش را) بشنویم...

د. إياد قنيبي | آرمان کریمی | أبو زینب محمد بهرامي



no-atheism.net | no_atheism | fb/islamway1434 | no_atheism | aparat/asteira

السلام علیکم!

پاسخ کوتاه و ساده‌ی این پرسش این است که: علم از هر چیز دیگری به وجود الله بیش‌تر دلالت دارد.

شاید بپرسید که: کجاست؟ الله را برایم نشان دهید و یا آوازش را برایم بشنوانید....

در پاسخ می‌گوییم: شما نپرسیدید که: «آیا می‌توانیم همان‌گونه که محسوسات را می‌بینیم و می‌شنویم، الله را ببینیم و (آوازش را) بشنویم؟» و اگر چنین می‌پرسیدید، در پاسخ می‌گفتیم: هرگز نه.

اما شما پرسیدید: آیا برای اثبات وجود الله دلایل علمی وجود دارد؟

علم از حسّ و عقل ترکیب شده است. انسان دستگاه یا دوربین بی‌حسّی نیست که به وسیله‌ی آن عکس‌برداری کنیم و سپس در صفحه‌ی آن بنگریم و بگوییم: آیا «الله» را در آن می‌بینیم؟

بلکه انسان داده‌ها و معلوماتی را که به وسیله‌ی حواس به درونش انتقال داده می‌شود، توسط عقل خود تحلیل و تجزیه می‌کند و نهایتا به نتایجی دست می‌یابد. این عملیّه از لحظه‌های نخست کودکی آغاز می‌شود و آهسته آهسته با بزرگ شدنِ کودک ارتقا می‌یابد.

گذشته از انسان، حتی حیوانات از محسوسات نتیجه‌گیری می‌کنند و اثر را با مؤثر پیوند می‌دهند. حیوانات از بوی غذا درمی‌یابند که غذایی وجود دارد و آن را جست‌وجو می‌کنند. برخی از حیوانات، مانند سگ، اثر را پی‌می‌گیرند و از آن به صاحب اثر راه می‌یابند.

شما هنگامی سیب نیم‌خورده‌ای را می‌بینید و اثر دندان‌های انسان را بر آن مشاهده می‌کنید، درمی‌یابید که انسانی بوده است و آن را دندان زده است. این «علم» است، با این که شما آن انسان را ندیده‌اید. هرگاه نشیدی را با آواز زیبایی بشنوید، درمی‌یابید که کسی هست که آن را را می‌خواند. این «علم» است، در حالی‌که شما خواننده‌ی آن را ندیده‌اید. افزون بر آن، این‌ها علم‌های ضروری و بدیهی است و از بس روشن و بدیهی است، مردم آن ها را علم نمی‌نامند. چرا که با شنیدن واژه‌ی «علم» معنای تأمل و تحلیل در ذهن تداعی می‌شود و دانستن این مسایل نیازی به تأمل و تحلیل ندارد.

هر معلول علتی دارد. این اصل عقلی، فطری و بدیهی است که دانستن آن نیاز به تعلیم و خبرگی ندارد و ما انسان‌ها در تمام کارهای روزانه‌ی خود به این قانون و قاعده عمل می‌کنیم. غذا می‌خوریم، چون می‌دانیم که غذا علت سیری است و آب می‌نوشیم، چون می دانیم آب تشنگی را برطرف می‌کند و هرگاه خسته شویم خواب می‌شویم، چون می‌دانیم که خواب سبب راحتی و آرامش است و کار می‌کنیم، چون می‌دانیم سبب به دست آوردن مال و پول و اسباب معیشت است.

با قانون علیّت و سببیّت درمی‌یابیم که خود ما و همه‌ی هستیِ پیرامون ما آفریدگار و مدیریت‌کننده‌ای دارد؛ هستی را پدید آورده است، آن را برای زیست آماده کرده است، جزئیات آن را راست و استوار گردانیده است، قوانینی بر آن نهاده است؛ و آثار قدرت این خالق را در خود و حرکت‌های موجودات پیرامون خود مشاهده می‌کنیم. حیات و زندگی انسان در جنین آغاز می‌یابد و هیچ تفسیر مادّی برای این حیات نمی‌توان دست‌وپاکرد.

قرآن انسان را با این قاعده‌ی عقلی مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ۞ أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؟! بَل لَّا يُوقِنُونَ»، یعنی: آیا ایشان (همین گونه از عدم سر بر آورده‌اند و) بدون هیچ گونه آفریدگاری آفریده شده‌اند؟ و یا این که (خودشان خویشتن را آفریده‌اند و) خودشان آفریدگارند؟ یا این که آنان آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟! بلکه ایشان طالب یقین نیستند.» ﴿الطور: ٣٥﴾

پس این پرسش که «آیا می‌توان وجود الله را با دلایل علمی ثابت کرد؟!» دقیق نیست؛ چرا که همه هستی دلیل وجود الله است و چیزی نیست که به وجود الله دلالت نداشته باشد!

اگر به خانه‌ای داخل شوید و روی مبل آن بنشینید و از غذای پخته شده‌ی روی میزِ مقابل خود بخورید، آیا عاقلانه است که بپرسید: «آیا دلیلی وجود دارد که این خانه را کسی ساخته است و این مبل و غذا را آماده کرده است؟ آیا دلیلی وجود دارد که این چیزها را کسی تنظیم کرده باشد؟» آیا این پرسش‌ها خنده‌دار نیست؟

الله متعال می‌فرماید: «قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِی الْآیَاتُ وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا یُؤْمِنُونَ»، یعنی: بگو: به همه‌ی آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است بنگرید و تأمل کنید! (اما) آیات و بیم‌دهندگان برای کسانی که نمی‌خواهند ایمان بیاورند، سودمند نمی افتد». دقت کنید که «مَاذَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» عام و مطلق است. پس همه‌ی آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است دلایل وجود و صفات الله متعال است. اما کسانی که از ریشه و اساس با ایمان به غیب مشکل دارند، دلایل، هرچند در غایت روشنی و وضوح باشد، به حال شان سود ندارد.

همچنان الله متعال می‌فرماید: «أوَلَمْ یَنْظُرُوا فِی مَلَکُوت السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللهُ مِنْ شَیْءٍ»، یعنی: آیا آنان در مُلک (پهناور و عظمت شگفتِ) آسمان‌ها و زمین و هر آن چه الله آفریده است، نمی‌نگرند و نمی‌اندیشند؟!». دقت شود که به جای حرف «إلی» از حرف «فی» استفاده شده است تا تأمل در جزئیات و ریزه‌کاری‌هایی که انسان را بیش از پیش به آفریدگار آشنا می‌سازد، نیز شامل شود. و در ادامه آمده است: «وَمَا خَلَقَ اللهُ مِنْ شَیْءٍ» یعنی همه‌ی مخلوقات الله دلیل وجود الله متعال است.

فیَا عَجَبَا کیفَ یُعصی الإلهَ ... أمْ کیفَ یجحدهُ الجاحِدُ

ولله فِی کلِّ تحریکَةٍ ... وفی کلِّ تَسکینَةٍ شاهِدُ

وفِی کلِّ شیءٍ لَهُ آیةٌ ... تَدُلّ علی أنّهُ الواحِدُ

(ترجمه‌ی اشعار:) در شگفتم که چگونه انسان‌ها از الله نافرمانی می‌کنند! و یا چگونه کسی منکر وجود الله می‌شود! در حالی‌که هر حرکت و سکونی گواه و شاهد وجود الله متعال است و همه چیز گواه این است که الله واحد و یگانه است.

پس پرسش درست این نیست که پرسیده شود: آیا دلیلی برای وجود خالق وجود دارد؟

بلکه پرسش درست این است: آیا چیزی هست که نشود از آن به عنوان دلیل برای وجود خالق و آفریدگار استفاده کرد؟ پاسخ این پرسش این است که: خیرا!

ابن تیمیه چه درست و نیکو گفته است: «به هر پیمانه‌ای که انسان‌ها به چیزی نیازمند باشند، الله به همان پیمانه آن را در اختیارشان قرار می‌دهد».

یقینا که چنین است، نیاز مردم به شناخت الله سخت‌ترین نیاز است و برای همین الله متعال دلایل وجود خود و روش‌های شناخت صفات خود را در همه‌جا گسترده و منتشر کرده است.

افزون بر آن، یکی از از نام‌های الله «الظاهر/ آشکار» است. ابن جوزی در «زاد المسیر/ توشه‌ی راه» در تفسیر این آیه «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» می‌گوید: «الله با حجت های روشن و برهان‌های آشکار و دلایل واضحِ وحدانیتِ خود، ظاهر و آشکار است».

پس الله، ظاهر و آشکار است و با دلایل و عقل درک می‌شود و در عین زمان، باطن و پنهان است، چرا که مانند دیگری چیزهایی که ما در دنیا می‌بینیم، دیده نمی‌شود.

اگر بخوهیم دلیل وجود الله را به گونه‌ی ساده و روشن و عمیق و استوار بیان کنیم می‌گوییم: همه‌ی موجوداتِ هستی دلیل وجود الله هستند. هیچ چیزی از آن‌چه در هستی می‌بینید، در نتیجه‌ی آشفتگی و تصادف پدید نیامده است. از تأمل به شکل و حرکات موجودات بدین نتیجه می‌رسیم که با قدرت و اراده‌ی آفریدگار پدید آمده اند. نه عدم چیزی را آفریده می‌تواند و نه هم مخلوقات می‌توانند خود را بیافرینند، چرا که پیش از پدید آمدن، عدم بوده اند؛ پس چاره‌ای نداریم جز این‌که بپذیریم آفریده‌ها آفریدگاری دارد و این آفریدگار متصف به صفاتی است چون اراده، قدرت، علم، حکمت، عظمت و جز آن‌ها که مخلوقات بر آن‌ها دلالت می‌کند.

می‌توانستم در این حلقه، دلیل امتناع تسلسل را به شرح و بسط بگیرم و این‌که هر ممکن‌الوجودی باید واجب‌الوجودی داشته باشد و هر حادثی باید ازلی‌ای داشته باشد، اما این کار را نکردم، چرا که این‌ها همه بخشی از دلیل اساسی (وجود الله) شمرده نمی‌شود.

پاسخ به اعتراض‌ها و شبهات، پاره‌ای از دلیل اساسی به حساب نمی‌آید. این‌ها پاسخ هایی است برای کسانی که مشکل دارند و در نتیجه‌ی آن نتوانستند به این دلیل واضح و آشکار قناعت کنند. برای همین، هنگامی که در حلقه‌های آینده، تسلسل و امتناع آن و

حدوث و ازلی را به بحث می‌گیرم، شاید کسی بگوید: «من چیزی نفهمیدم!» (در پاسخ می گوییم) مسأله‌ای نیست! اصلا کهِ گفته ایمان به وجود الله مستلزم شناخت رد و نقدهای شبهات نیز هست؟ شما می‌توانید به وجود الله، با دلایل عقلی و فطری که بر بنیادهای محکم علمی اساس نهاده شده است، ایمان بیاورید، بدون این‌که چیزی از شبهات بدانید، چه برسد به این‌که به پاسخ آن‌ها معرفت داشته باشید.

چنان‌که گفته اند: «أصعب المهمات توضيح الواضحات»، یعنی: دشوارترین کار، توضیحِ واضحات است». چرا که توضیح مسایل واضح و روشن، در صورتی ضرورت می‌افتد که با کسی بحث کنید که در مسلمات مشکل دارد و در نتیجه، زمینه‌ای مشترک در مناقشه و اثبات مسایل باقی نمی‌ماند و کار دشوار می‌گردد.

اگر انسانی چاشت‌گاه آفتاب را ببیند و بگوید: «من به وجود آفتاب باور ندارم»! (از او می‌پرسید) چرا؟ می‌گوید: «شاید (آن‌چه آفتاب می‌نامیم) کره‌ای مصنوعی و آتشینی باشد که در مقابل ما نهاده شده است»! برایش می‌گوییم: چگونه ممکن است این کره در هوا بدون ریسمان معلق بماند و ما هم ریسمانی نمی‌بینیم؟!

در پاسخ می‌گوید: شاید این ریسمان شفاف است و قابل رؤیت نیست.

برایش می‌گوییم: این ریسمان به چه بسته شده است و کهِ آن را حرکت می‌دهد؟ دیگر این‌که این چگونه ریسمانی است که این همه حرارت را تحمل می‌کند و قطع نمی‌شود؟!

می‌گوید: «با این حساب، شاید در این کره، مغناطیس ضخیمی وجود دارد و این مغناطیس با قطعه‌های معدنی پر شده است و در زیر زمین نیز به همان اندازه مغناطیس و با همان قطعه‌های معدنی نهاده شده است و در نتیجه‌ی تنافر مغناطیسی، کره در آسمان معلق مانده است و...»!

سرانجام، با حساب‌های پیچیده‌ی ریاضی وارد بررسی اندازه‌ی کتله‌ی مناسب این مغناطیس و مقدار جاذبه‌ی زمین و فزونی آن بر تنافر مغناطیسی می‌شویم و...!

شاید شنونده‌ی این گفت‌وگو بگوید: «آه! این گفت‌وگو همه دلیل وجود و طلوع خورشید است! من فکر می‌کردم مسأله بسیار روشن‌تر از این حرف‌ها ست!».

نه! آن‌چه گفته آمد، دلیل وجود و طلوع خورشید نیست. این‌ها پاسخ شبهات کسی است که مسایل بدیهی و روشن را انکار می‌کند. لازم نیست و نیازی ندارید برای قناعت علمی و عقلی به وجود آفتاب این پاسخ‌ها را بدانید. مشکل در وجود آفتاب نیست. مشکل در منکر است. انکارها و شبهات منکر هرچند زیاد باشد، این حقیقت را نفی نمی‌کند که وجود آفتاب حقیقتی بدهی و روشن و آشکار است. ولی چنان‌که گفته اند:

ولیس یصح فی الأذهان شیءٌ　　　إذا احتاج النهار إلی دلیل

هرگاه اثبات وجود خورشید، نیازمند دلیل احساس شود، هیچ پایه و اساسی در اذهان قرار و استقراری نخواهد داشت.

بلی، در حلقات آینده شبهاتی که پیرامون وجود الله مطرح می‌شود، پاسخ داده خواهد شد، اما همه‌ی آن‌چه گفته خواهد آمد، بخشی از دلیل نه بلکه رد و نقد شبهاتی است که پیرامون دلیل مطرح می‌شود. خلط این مسأله خطا و اشتباه است. شاید برخی از مردم که ایمان فطری شان ثابت مانده است هنگامی که این گفت‌وگوها و رد و نقدها را می‌شوند با خود بگویند: وجود الله این قدر پیچیده و پوشیده است که برای اثبات آن این همه ذکاوت و علم و فلسفه لازم است! چرا که این شخص، تفکیک نکرده است که همه‌ی آن‌چه مطرح شده است، نه جزیی از دلیل بلکه رد شبهاتی است که بر دلیل وارد می‌شود. و پیچیدگی به پوشیدگی حقیقت وجود الله باز نمی‌گردد، بلکه به پیچیدگی اثبات مسایل بدیهی برای شکاکان باز می‌گردد. برای همین، تفکیک میان دلایل وجود الله و رد شبهات منکرینِ این حقیقت بدیهی، ضرور و حیاتی است.

دیگر این‌که تکرار بسیار شبهات مطرح شده پیرامون مسأله‌ای، لزوما به معنای ضعف آن مسأله نیست و احیانا عکس قضیه صادق است. مانند وجود الله که کثرت شبهات مطرح شده پیرامون این حقیقتِ بدیهی خود بیانگر این است که منکرانِ این حقیقت در معرض

فشار فطری این ایمان قرار دارند و برای آرامش دادن روان‌های پریشان خود به شبهات پناه می‌برند.

«أوَلَمْ يَنظُرُوا فِی مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ»، یعنی: آیا آنان در مُلک (پهناور و عظمت شگفتِ) آسمان‌ها و زمین و هر آن‌چه الله آفریده است، نمی‌نگرند و نمی‌اندیشند؟! و آیا نمی‌اندیشند که چه بسا اجل آنان نزدیک شده باشد؟ (پس تا فرصت باقی است حق را بپذیرند و ایمان به حق را در خود تقویت کنند، و در پذیرش اسلام امروز و فردا نکنند. اگر آنان به این قرآن که پر است از دلیل و برهان، ایمان نیاورند) پس بالاتر از آن به چه سخنی (و دعوت دیگری) ایمان می‌آورند؟ (شاید در انتظار کتابی برتر از قرآنند؟ چه نادان مردمانند؟). ﴿الأعراف: ۱۸۵﴾

والسلام علیکم ورحمة الله

نویسنده: دکتر اِیاد قُنیبی
مترجم: آرمان کریمی
اصلاحی: ابوزینب محمد بهرامی
تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»